

ای کریم انشاء الله بعنایت کریم در ظل سدره رب العالمین مستریح باشی ...

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



رقم (10) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 164
- 174

(10)

بنام خداوند یگنا

ای کریم انشاء الله بعنایت کریم در ظل سدره رب العالمین مستریح باشی و بفیوضات منزله از سماء فضل فائز ذکرت لدی العرش بوده و خواهد بود و این از اعظم عنایات الهیه محسوب ای کریم کمر خدمت را محکم کن که شاید نفوس ضعیفه از ذکر مالک بریه بکمال حب و قدرت قلبیه ظاهر شوند بشأنیکه دنیا و ما فیها آن نفوس را از حق منع ننماید کل باخلاق الهیه در این ایام نورانیه ظاهر شوند ای کریم باده روحانیه معنویه آماده و ساقی احدیه موجود و لکن اکثر بریه ممنوع و محروم مشاهده میشوند حق بکمال ظهور ظاهر و خلق در نهایت اشتیاق مشتاق مع ذلک عشاق از معشوق محروم و در تیه فراق در احتراق لذا هادی و ناصح و معلم لازم دارند تا بدانند که سبب منع چیست و علت بعد چه؟ بعضی از عباد بتعلیم محتاج نیستند ایشان بمنزله عیون مشاهده میشوند و عین را دیدن نباید آموخت و همچنین گوش را شنیدن حینیکه باعانت روح مفتوح شد خود مشاهده مینماید و لکن در کل احیان باید بطلعت رحمن پناه برد که مباد رمد و یا علت اخری حادث شود و حایل گردد ایشانند عبادی که بعد از ارتفاع ندا بافق اعلی توجه نموده اند و بشأنی مستقیمند که احدی قادر بر انحراف



ORIGINAL

آن نفوس مطمئنانه از شطر احدیه نیست از سلسبیل بیان رحمن در کل احیان نوشیده و مینوشند و بکلمات الهیه مأنوس و مشتاقند و ما دون این نفوس بمواعظ حسنه و نصایح مشفقانه محتاج لذا باید احبای الهی بحکمت و بیان بر این امر خطیر اقدام کنند بعضی را باقوال و بعضی را بافعال و اعمال و بعضی را باخلاق تبلیغ نمایند و بشطر احدیه کشانند اعمال حسنه و اخلاق روحانیه بنفسها مبلغ امرند بعضی از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسب علوم ظاهره نموده‌اند ملاحظه در زمان رسول نما که بعد از ظهور آن نیر اعظم جمیع علماء و ادباء و حکماء از آن شریعه عرفان رحمن محروم ماندند و ابو ذر که راعی غم بود بمجرد اقبال بغنی متعال بجزر حکمت و بیان از قلب و لسانش جاری و حال جمیع علما را نزد ذکرش خاضع مشاهده مینمائی و حال آنکه در اول امر احدی باو اعتنا نداشته تعالی القدیم ذوالفضل العظیم انه هو الحاکم علی ما اراد و انه هو المقتدر القدر لذا هر یک از احبای الهی که بافق باقی فی الحقیقه اقبال نمود باو افاضه میشود آنچه سبب هدایت بریه باشد بگوای احبای من شما اطبای معنوی بوده و هستید باید بحول و قوه الهیه بدریاق اسم اعظم امراض باطنیه امم و رمد عیون اهل عالم را مداوا نمائید و شفا بخشید تا کل بشاطی بحر اعظم در ایام مالک قدم توجه نمایند و باید کل بقمیص امانت و ردآء دیانت و شعار صدق و راستی ظاهر و باطن خود را مزین نمائید تا سبب علو امر و تربیت خلق گردد این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل ظهورات کمالیه در انفس انسانیه و ارتقاء ارواحهم الی المقامات الباقیه و ما یصدقه عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کل فوق ملک و ملکوت مشی نمایند لعمری لو اخرج الحجاب فی هذا المقام لتطیر الارواح الی ساحة ربک فالق الاصباح و لکن چون بحکمت امر نمودیم لذا بعضی از مقاماترا مستور داشتیم تا جذب مختار زمام اختیار را اخذ نماید و کل بآداب ظاهره ما بین بریه مشی نمایند و سبب هدایت ناس شوند بعضی عقول شاید که بعضی حدودات مذکوره در کتب الهیه را لاجل عدم اطلاع بر مصالح مکنونه در آن تصدیق نمایند و لکن آنچه از قلم قدم در این ظهور اعظم در اجتماع و اتحاد و اخلاق و آداب و اشتغال بما ینتفع به الناس جاری شده احدی انکار نموده و نمینماید مگر آنکه بالمره از عقل محروم باشد اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضررش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابداء محل امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن و رأئها قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه ای کریم ندای رحمانی را از قلم روحانی بلسان پارسی بشنو لعمری انه یجذبک الی مقام لا تری فی الملک الا تجلیات هذا الامر الذی اشرق من افق الطاف ربک العظیم الحکیم اگر جمیع بریه حجابات مانعه را خرق نمایند و صریر قلم اعلی را که در بقعه نورا باذن مالک اسما مرتفع است اصغا کنند کل بجان بشطر رحمن توجه نمایند قد منعتم اهوائهم و هم الیوم منصعقون ای کریم شمس کلمه الهیه که از مشرق اراده مشرق و طالع شد هر صاحب بصری ادراک مینماید و آن کلمه بمثابه شمس ظاهره روشن و مضیء است ما بین کلمات عالین الیوم یومی نیست که قلم اعلی باین اذکار مشغول شود ینبغی لکل نفس فی هذا الیوم اذا سمع النداء من الافق الاعلی یدع الوری عن ورائه یقوم بحول الله مقبلا الی مولیه و یقول لیبیک یا محبوب من فی السموات و الارضین لسان رحمن در روضه بیان باینکلمه مبارک که ناطق میفرماید لا زال ذکر آن نیر اعظم لا اله الا انا ان یا

خلقی ایای فاعبدون بوده و خواهد بود و آنچه در این مقام از قلم مبدع اسماء و صفات جاری شده نظر برحمت سابقه بوده که جمیع ممکاترا احاطه فرموده که شاید اهل امکان از کوثر حیوان که از یمین رحمت رحمن جاریست محروم نمانند انه لهو الغفور الرحیم بعد از کان غنیا عن العالمین بعضی از اهل فرقان و بیان که در عقبه وقوف و یا عقبه ارتیاب و امثال آن توقف نموده اند این نظر بتوهماتیست که از قبل ما بین قوم بوده بگو ای عباد امروز روزیست که باید خرق جمیع احجاب نمائید و جمیع اوها مرا محو کنید و بکمال اقبال بافق جمال قلبا توجه نمائید چه که سبیل رجل بما اکتسبت ایدی الظالمین ممنوع شده و بامری جز بما ظهر من الظهور ناظر نباشید چه که ما بین ناس کلمات موهومه لا تغنی بسیار و همان موهومات بعضی از اهل بیانرا از نیر رحمن که از افق امکان طالع شده ممنوع نموده و محروم ساخته و آن نفوس بغایت بی درایت و عقل مشاهده میشوند بگو ای گمگشتگان وادی ضلالت کدام یک از موهومات محققه نزد شما صدق بوده و رائحه صدق از او استشمام نموده اید؟ لا و نفسی الحق کلها رجعت الی حقاقتکم الموهومه و بقی الامر لله المهیمن القیوم هزار سنه او ازید نفس موهومیرا در شهر موهوم با جمعی از نساء و اولاد مقرر داده بودید و بآن اوها م معتکف تفکر نما که در آن الف سنه بچه متمسک بودند فوالذی انطقنی بالحق قلم شرم مینماید از ذکر آن نفوس موهومه محتجبه آنچه در ذکر آن نیر اعظم یعنی قائم ما بین آن قوم بوده حرفی از آن تحقق نداشته و عند الله مذکور نبوده چنانچه بعد از ظهور بر کل معلوم و مبرهن شد این یکی از موهومات آن نفوس بوده بعد از آنکه ید قدرت الهیه خرق حجاب نمود بعضی مطلع شدند و همچنین موهومات دیگر که ما بین آن قوم است و تا حال خرق نشده باید بهمان قسم مشاهده نمایند عسی الله ان یخرقها لمن یشاء صدر ممرود و قلب منیر باید مقدسا عن کل الاشارات و الکلمات بشرط امر توجه نماید بگو الیوم یوم ریب و ارتیاب نیست احرقوه بنار کلمة ربکم العزیز الوهاب ای احبای من آخر بصر انصاف مشاهده نمائید این مظلوم در فم ثعبان و در جمیع احیان بلایائی بر او وارد که احدی غیر الله مطلع نه و نفسش را انفاق نموده که شاید از افق انقطاع طالع شوید تا ممالک ابداع و اختراع از شما روشن و منیر گردد قدر خود را بدانید و از اموراتی که سبب تضییع امر شود ما بین ناس احتراز نمائید قل یا لیت عرفتم تموجات هذا البحر و ما ستر فیه من لثالی حکم ربکم العزیز الحمید ای کریم اگر چه تغنیات قلم اعلی را انتها نه و لکن بلحن دیگر توجه نمودیم

سبحانک اللهم یا الهی اسئلک باسمک الذی به نزلت امطار رحمتک و ظهرت آیات قدرتک و طلعت شمس مشیتک و احاطت رحمتک من فی ارضک و سمآتک ان تلبس الذینهم آمنوا اثواب الامانة و الانقطاع ثم اجذبهم الی المطلع الذی منه اشرقت شمس الامتناع لیظهر بهم تقدیس امرک بین عبادک و تنزیه احکامک فی مملکتک ای رب انت الغنی و هم الفقراء لا تأخذهم بما غفلوا فارحمهم ثم اغفر لهم لانهم حملوا الشدائد فی سبیلک ان غفلوا عن بعض اوامرک و لکن سرعوا بقلوبهم و ارجلهم الیک لا تنظر الی خطیئاتهم فانظر الی الانوار التي اشرقت من آفاق قلوبهم و البلیا التي وردت علیهم فی سبیلک ثم ایدهم بعد ذلک علی ما یرتفع به

اعلام امرک فی بلادک و رأیات عظمتک فی دیارک انک انت المقتدر علی ما تشاء فی قبضتک ملکوت
الانشاء لا اله الا انت المتعالی المهیمن العلی العظیم

ای کریم و صایای الهیه را از برای هر نفسی ذکر نمائید و تلاوت کنید که شاید بما اراد الله عامل شوند اذکر من
قبلی من معک من کل اناث و ذکور قل لک الحمد یا ربی العزیز الغفور